

شعری از بنفشه

به مناسبت اول ماه مه روز همبستگی جهانی کارگران

این شعر را به کارگران مبارز صنعت نفت و دیگر کارگرانی که در پالایشگاه ها و کارخانجات گرم و سوزان جنوب با چهره های سوخته از آفتاب داغ و بی امان و سوزنده جنوب، بادستهایی همیشه آغشته به سیاهی نفت، روغن، قیر و خسته از کار سخت و مداوم در گرمای طاقت فرسایی به کاری طاقت فرساتر مشغول بودند و علیرغم تحت استثمار و فشار کارفرما، روسا و نمایندگان دولت سرمایه داری، قهرمانانه به مبارزه و مقاومت درمقابل حاکمیت سرمایه و کارگزاران آن با اعتصابات خود به مبارزه برخاستند و در ادوار مختلف زندگی خویش با اتحاد و همراهی با هم طبقه ای های خویش و با اعتصاب عظیم و باشکوه خود باعث بسته شدن رگ تنفسی رژیم سرمایه داری و دیکتاتوری پهلوی شده و ضربه نهایی را به آن رژیم ضدکارگری وارد نمودند، تقدیم میکنم.

با درود گرم به دلاوران نفت و تمامی کارگرانی که روزانه در جدال و مبارزه با کارفرما و دولت سرمایه داری اسلامی در ایران و بورژوازی درنده و استثمارگر در سایر نقاط جهانند و روزانه در حال مبارزه برای گرفتن حق و حقوق خود و حاکم شدن بر سرنوشت خویش میباشند.

به امید همبستگی جهانی کارگران برعلیه سرمایه داران و پیروزی نهایی کار بر سرمایه در تمامی پهنه گسترده جهان و با آرزوی عملی شدن این شعار اساسی و پایه ای مانیفست کمونیست "کارگران جهان متحد شوید".
به امید روز تاریخی دیکتاتوری پرولتاریا و برقراری کمونیسم در سراسر جهان.

یادهای فراموش نشدنی

شعری از: بنفشه

هر روز ۳ بار

هر بار ممتد

با سوتی دلخراش

خیل عظیم کار را

در درون وُرکشاپ (۱)

بی امان

فرومیبلعید.

در درون حفرهٔ سوزان

میبلعید نیروی کار را-

ماشین سرکوب سرمایه

یادها، یادگارها

در ذهن کودکیم

در بلوغ زودرس

فرزند کار

فرزندان کار.

سوخته چهره ات از کار

در اوج گرما

تصویر همیشگیت

به یادگار مانده است.

با بیلسوت (۲)

بوی نفت و کار کارخانه

سروده های جان سوخته

تو و یارانت را

زمزمه میکند-

در ذهن کودکی ام

با تو هر صبح

ظهر

و غروب

سوت های بلند کار

لحظه به لحظه
به تجربه نشستم.
آنگاه که داستان مهربانت
غرق سیاهی
دود و نفت و روغن
سپرتاس را (۳)
پدرانه، مهربانانه
ازدستان بی تاب
و کودکانه ام
بازپس می‌گرفت
ودرخشش چشمانت.
بعد از سوت کار
با رفیقانت به گاه نهار
شوق تقسیم، اشتراک
شور بخشش
اندک دارایی ات
باصدایی مشتاق
نرم و آرام گفتنت:
رفقا
غذای امروز با من.
ومن-
و ما کودکان نسل کار
کودکِ رشد یافته
در دامن کار
کودکانه

خیره درچهره سوخته ات

به دستانه آغشته به نفت

درستایش تو

در صف کار

با نفی این نظام

رویشی ناگزیر را آغاز می‌کردیم و

تاریخ، اجتناب ناپذیری خویش را

دربرآمدی دوباره با خروش کار

بر علیه سرمایه

در من

در شما فرزندان کار

به اثبات میرساند.

بنفشه

برای اول ماه مه ۲۰۰۹

(۱) ورک شاپ، در مناطق جنوبی (خوزستان) به کارخانه اطلاق میشد و از زبان انگلیسی اقتباس شده بود و در بین کارگران و خانواده های آنان اینگونه کلمات که ریشل انگلیسی داشته متداول بود.

(۲) بیلرسوت، لباس فرم بخشی از کارگران شرکت نفت بود که به رنگ آبی تیره و کارگران باید این لباس فرم را در موقع کار به تن میکردند.

(۳) سیرتاس، ظرفی معمولاً فلزی که از ۳ قطعه (طبقه) تشکیل شده بود. این ۳ قطعه به وسیله یک دسته به هم وصل بودند. کارگران صنعت نفت و پالایشگاه معمولاً "غذایشان را در این ظرف با خود به سرکار میبردند و یا اینکه در موقع خوردن نهار خانواده هایشان غذای آنها را در این ظرف برای آنان به کارخانه میبردند.